

حق گرفتنی است زنان از حقوق شهروندی می‌گویند

تهیه و تنظیم: ندا عبداللهی

سنگ بنای نابرابری حقوقی میان زنان و مردان در جامعه ایران در مجلس شورای ملی اول گذاشته شد. آنجا که زنان پس از حضور نسبتاً پررنگ در جنبش مشروطه^۱، هنگام نوشتن قانون، در کنار دیوانگان و بیگانگان و کودکان، از حق انتخاب شدن و انتخاب کردن محروم شدند و حتی اجازه تشکیل انجمن نیز از آنان سلب شد. با گذشت بیش از صد سال از آن زمان، و با وجود اصلاحات و تغییرات بسیار در قوانین، می‌توان گفت هنوز هم در بر همان پاشنه می‌چرخد و هدف غایی فعالان حقوق زنان از میان بردن نابرابری‌های حقوقی است. در سال ۱۳۹۲ اما، در فضایی که زنان و مسائل آنها در رده‌های اجرایی و تصمیم‌گیری کشور به حاشیه رانده شده بود، شعار تحقق حقوق شهروندی که در دولت یازدهم مطرح شد مورد استقبال مردم و جامعه زنان قرار گرفت. پس از آن انتشار منشور حقوق شهروندی و تأکید بر حقوق زنان در بندهای فراوانی از آن سوی دولت، امید بازگشت مسائل و مصائب زنان به اولویت‌های تصمیم‌سازان کشور را زنده کرد. اما خود جامعه زنان ایرانی تا چه اندازه به حقوق شهروندی خود آگاه است؟ چقدر مطالبه‌گری برای احقاق حق خود در میان آنان شکل گرفته است؟ راهکارهای آنان برای مقابله با تضييع حقوقشان چیست؟ حقوق شهروندی و مفاد آن تا چه اندازه برایشان آشنا است؟ برای دانستن پاسخ این پرسش‌ها به گفت‌وگو با تعدادی از زنانی پرداختیم که در تهران و در تعامل مستقیم با شهر، زندگی روزمره خود را سپری می‌کنند، زنانی در سنین مختلف با طبقات اجتماعی و تحصیلات متفاوت.

۱- الیز ساناساریان. جنبش حقوق زنان در ایران. ترجمه نوشین احمدی خراسانی. تهران: نشر اختران. ۱۳۸۴.